



رابطه مدیریت دانش و فناوری اطلاعات

مهتاب خیری

Ma.kh1361@yahoo.com

علی زاهدی

Azahedi14@yahoo.com

چکیده

عصر حاضر، عصر انفجار اطلاعات است و سازمان‌ها با حجم انبوهی از اطلاعات و دانش روبرو هستند که اداره و بهره‌برداری صحیح از آنها به دغدغه‌ای بزرگ برای این سازمان‌ها تبدیل شده است. به همین دلیل مدیریت دانش جایگاه ویژه‌ای در متون و ادبیات مدیریت جا باز کرده است. مدیریت دانش به عنوان مجموعه‌ای از فعالیت‌های مرتبط با تولید، تدوین و انتقال دانش تعریف می‌شود و نقش اصلی فناوری اطلاعات در مدیریت دانش تسریع انتقال دانش است. با توجه به گسترش روزافزون کاربرد فناوری اطلاعات در سازمان‌ها، استفاده از آن برای مدیریت دانش نیز رو به افزایش است. به کارگیری فناوری اطلاعات در مدیریت دانش موضوع مهمی برای سازمان‌هایی است که می‌خواهند از وجود فناوری‌ها برای مدیریت دانش در سازمان خود استفاده نمایند.

هدف از این پژوهش بررسی رابطه بین مدیریت دانش و فناوری اطلاعات است. مقاله حاضر به روش کتابخانه‌ای سعی شده که به مفاهیم مدیریت دانش، اهداف مدیریت دانش، عناصر کلیدی مدیریت دانش، مزایای مدیریت دانش، فرآیند مدیریت دانش، مفهوم فناوری اطلاعات و جایگاه فناوری اطلاعات در مدیریت دانش پرداخته شود.

نتایج تحقیق نشان می‌دهد که بین مدیریت دانش و فناوری اطلاعات رابطه قوی وجود دارد این رابطه باعث افزایش کارآمدی در هر دو حوزه می‌شود. فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطات باعث رشد دانش می‌شوند و بر آن تأثیر مستقیم دارند به همین دلیل نقش حیاتی در مدیریت دانش ایفا می‌کنند. فناوری اطلاعات در تقویت و ارتقاء جایگاه مدیریت دانش و همچنین افزایش اثربخشی سازمان را در پی داشته است.

واژگان کلیدی: فناوری اطلاعات، مدیریت دانش، مفاهیم دانش، فرآیند مدیریت دانش، مزایای مدیریت دانش



مقدمه

عصر کنونی به عنوان عصر اطلاعات نام گرفته است. در این عصر فناوری اطلاعات به عنوان یک راهبرد و طرزتفکر جدید، تمام ابعاد زندگی بشر را تحت تاثیر قرار داده است و سازمانها نیز از مفاهیم و نهادهایی هستند که بطور شدیدی تحت تاثیر فناوری اطلاعات قرار گرفته اند به گونه ای تصورسازمان امروزی بدون فناوری و کاربرد آن غیر ممکن به نظر می رسد. در واقع سازمانها برای ادامه حیات خود به ناچار باید به فناوری اطلاعات روی بیاورند. درعصر انفجار دانش و اطلاعات، مدیریت دانش و فناوری اطلاعات هر دو نقش کلیدی در جامعه ایفا می کنند و به همین سبب باید به دانش و بینش مجهز شد و با استفاده از مدیریت بهینه به برنامه ریزی، سازماندهی و کنترل دانش و اطلاعات پرداخت.

فناوری اطلاعات عبارت است از مجموعه تکنیک ها و ابزارهایی که ما را در ضبط، ذخیره سازی، پردازش، بازیابی، انتقال و دریافت اطلاعات یاری می رساند. فناوری اطلاعات بر دانش و مهارت استفاده از تکنولوژی های نوین مثل: کامپیوتر-اینترنت و سیستم ارتباط از راه دور به همراه ذخیره سازی، کاربرد وانتقال اطلاعات تاکید دارد (رضایی، ۱۳۸۹).
با پیچیده شدن و غیرقابل پیش بینی شدن محیط، سازمان های پیشرو سعی می کنند تا با استفاده از فناوری اطلاعات، نظام های پیچیده و سریعی را توسعه دهند تا از بقا و حفظ مزیت رقابتی شان اطمینان حاصل نمایند (Suominen and Takala, ۲۰۰۶).

هالس، منظور از مدیریت دانش فرآیندی است که سازمان ها به واسطه آن توانایی تبدیل داده ها به اطلاعات و اطلاعات به دانش را پیدا کرده، همچنین قادر خواهند بود دانش کسب شده را به گونه ای موثر در تصمیم های خود به کار گیرند (Hales, ۲۰۰۱).

مدیریت دانش با ایجاد پیوند بین منابع انسانی، فناوری اطلاعات و ارتباطات و ایجاد ساختاری مناسب، دست یابی به هدف های سازمانی را آسان می کند (افرازه، ۱۳۸۶).

مدیریت دانش می تواند با استفاده مناسب از فناوری اطلاعات، نتایج بسیار مهمی را به دنبال داشته باشد. فناوری اطلاعات می تواند در ایجاد فرآیندهای مدیریت دانش نقش موثری ایفا کند.

دانش، دارایی ارزشمندی است که باید مدیریت شود، اساس مدیریت دانش یافتن راهبردهایی است که دانش درست را به شکل صحیح و در زمان مناسب در اختیار افراد مناسب قرار می دهد (Milton, ۱۹۹۹).

مدیریت دانش، مانند ارتباطات، در بهترین وجه به عنوان روش یا شیوه عمل سازمانی تلقی می شود؛ شیوه شناسایی، در اختیار گرفتن، سازمان دهی و پردازش اطلاعات برای خلق دانش است؛ پس از اطلاعات توزیع شده و به عبارت دیگر در دسترس دیگران قرار می گیرد تا برای خلق دانش بیشتر به کار گرفته شود (رادینگ، ۱۳۸۶).

در مدیریت دانش، جذب، خلق، سازمان دهی، ذخیره، انتقال و انتشار دانش همگی وابستگی شدید به کاربرد فناوری اطلاعات دارند و رشد آن به شدت متأثر از فناوری اطلاعات و ارتباطات است.

مدیران سازمان های پیشرو و دانش محور فناوری اطلاعات را به عنوان نیروی محرکه و عامل کار ساز و موثر در پیشرفت موفقیت مدیریت دانش و غلبه بر چالش ها به کار می گیرند.

به کارگیری فناوری اطلاعات در مدیریت دانش، موضوع مهمی برای سازمان هایی است که می خواهند از وجود فناوری ها برای مدیریت دانش در سازمان خود استفاده نمایند. بسیاری از سازمان ها فناوری اطلاعات را به شکل خاص یا اشکال مختلف برای مدیریت دانش مورد استفاده قرار می دهند. مدیریت دانش می تواند با استفاده مناسب از فناوری اطلاعات نتایج بسیار مثبت و مهمی را به دست آورد (آزادی احمدآبادی، ۱۳۸۸).



نخستین کنگره بین المللی
چالش های الکترونیکی ۲۰۱۶-تهران
1st Tehran eChallenges
International Congress 2016
17-18 October 2016 / ۲۶ و ۲۷ مهرماه ۱۳۹۵

بالاترین ارزش فناوری اطلاعات در مدیریت دانش، کمک به امکان توسعه دامنه دانش سازمان و افزایش سرعت انتقال این دانش است. علاوه بر آن فناوری اطلاعات در فرایند یکپارچه سازی دانش موجود در ایجاد دانش جدید نقش مهمی ایفا می کند (Akiyoshi, ۲۰۰۸).

مدیریت دانش و فناوری اطلاعات نقش حیاتی در ارتباطات اطلاعاتی جامعه ایفا می کند. مدیریت دانش به عنوان مجموعه از فعالیت های مرتبط با تولید، تدوین و انتقال دانش تعریف می شود و نقش اصلی فناوری اطلاعات در مدیریت دانش تسریع انتقال دانش است (آزادی احمدآبادی، ۱۳۸۸).



ادبیات پژوهش

مدیریت دانش

به منظور درک بهتر مفهوم مدیریت دانش ابتدا به بررسی مفاهیم داده، اطلاعات و دانش بپردازیم. دانش، نه داده است و نه اطلاعات، هر چند به هر دو مربوط بوده و تفاوت آنها لزوماً ماهوی نیست و صرفاً از نظر مراتب با هم متفاوتند. داده، اطلاعات و دانش مفاهیمی نیستند که بتوان آنها را به جای هم مورد استفاده قرار داد. درک این سه واژه و چگونگی رسیدن از یکی به دیگری، اهمیت زیادی در موفقیت کارهای علمی دارد.

مفاهیم مرتبط در مدیریت دانش

داده^۱

اولین سطح مدیریت دانش بوده و در واقع اعداد، ارقام، نمودارها یا صفات ویژه‌ای هستند که از مشاهده، تجربه یا محاسبه به دست آمده و به تنهایی تولید معنی نمی‌کنند. در واقع می‌توان گفت که داده‌ها رشته واقعیت‌های عینی و مجرد در مورد رویدادها هستند (احمدی، ۱۳۹۱).

اطلاعات^۲

دومین سطح مدیریت دانش را اطلاعات تشکیل می‌دهد. این سطح، داده‌های کمی خلاصه شده را در بر می‌گیرد که گروه بندی، ذخیره، پالایش و سازماندهی شده‌اند تا بتوانند معنی دار شوند. این سطح از داده‌ها نیز بیانگر دانش نیستند. آنها نشانگر آغاز مدیریت اطلاعات هستند، اطلاعاتی که مدیر می‌تواند به کارگیرد تا کاری بیش از پردازش مرادده فردی انجام دهد. اطلاعات غالباً تشکیل اعداد و ارقام، کلمات و گزاره‌های انباشته شده را به خود گرفته و معنایی را ارائه می‌کند که بزرگتر از آن چیزی است که از داده‌ای خام مشکوف می‌گردد (احمدی، ۱۳۹۱).

اطلاعات زمانی ارزش پیدا می‌کنند که برای یک بعد خاص، یک فرد خاص، یک هدف خاص و در زمان خاص گردآوری و آماده شوند، لذا اطلاعاتی که برای یک مدیر جنبه اطلاعاتی دارد، برای مدیر دیگر ممکن است اصلاً ارزشی نداشته باشد (اخوان ۱۳۷۵).

دانش^۳

دانش را به سادگی نمی‌توان تعریف کرد و رابطه‌اش با اطلاعات بسیار پیچیده است. برخی معتقدند دانش پیوندی است که افراد بین اطلاعات و کاربردهای نیروی بالقوه آن می‌سازند، در ضمن دانش به عمل نزدیکتر از اطلاعات و داده‌هاست. این تعریف از دانش با شایستگی همخوانی دارد. چون دانش معناهای ضمنی بسیار دارد بعضی اصطلاح شایستگی را ترجیح می‌دهند (احمدی، ۱۳۹۱).

دانش، درک، آگاهی یا شناختی است که در خلال مطالعه، تحقیق، مشاهده یا تجربه نسبت به جهان بیرونی در فرد ایجاد می‌شود.

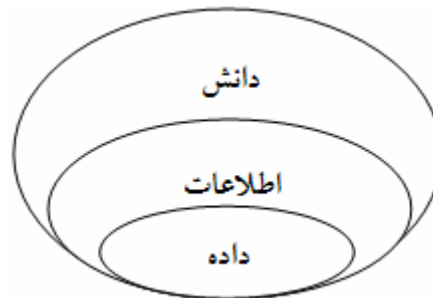
۱. Data

۲. Information

۳. Knowledge



شود (یمین فیروز، ۱۳۸۲).



شکل ۱. روابط بین داده، اطلاعات و دانش

تعریف مدیریت دانش مشکل است بدین منظور بعضی از دیدگاه صاحب نظران مختلف ارائه شده است. «داون پورت»^۴ مدیریت دانش را بعنوان جمع آوری، توزیع و استفاده کارا از منابع دانش تعریف کرده است (دانیپورت ۱۳۷۹). از نظر «روبرت لوکان» مدیریت دانش عبارت است از استفاده از اطلاعات برای دستیابی به واقعیت کسب و کار؛ مدیریت دانش فعالیتی سازمانی بوده که هدف آن ایجاد محیطی اجتماعی و زیربنایی فنی است که بتوان در این محیط، دانش تولید کرد به آن دسترسی داشت و دیگران را در آن سهیم ساخت (غنی زاده ۱۳۸۵). مدیریت دانش در آشکار کردن سرمایه های ضمنی و ناملموس و به کار بردن آنها برای بقای سازمان و مزیتی در عرصه رقابت سازمانی است (احمدی ۱۳۹۱).

مزایای مدیریت دانش

« دنهام گری »^۵ در یک گردهمایی مدیریتی دانش، مزایای عمده مدیریت دانش را این گونه مورد بحث قرار می دهد: "مدیریت دانش دیدگاه ها، رهیافت ها و بصیرت قرار دادن سرمایه گذاری های مناسب در داده و اطلاعات را در بهترین موارد استفاده که بیشترین نیاز به آن می رود فراهم می آورد. مدیریت دانش، تصمیمات کجایی، چگونگی و زمان ساخت، ایجاد، انباشت و علت دانش جدید را هدایت می کند" (احمدی، ۱۳۹۱).

جدول ۱. مزایای مدیریت دانش (رادینگ، ۱۳۸۲)

مزایا	فرآیندهای دانش
کارایی ها و صرفه جویی ها	- بهترین طرز کارها - پایگاه های دانش حل و قطعیت بخشی به مشکل - مستندسازی فرایند
فرصت های جدید	- داده کاوی - فرصت های جدید پایگاه های دانش مشتری - دانش رقابتی و بازار

۴. Davenport

۵. Dnham Gary



نخستین کنگره بین المللی
چالش های الکترونیکی ۲۰۱۶-تهران
1st Tehran eChallenges
International Congress 2016
17-18 October 2016 / ۲۷ و ۲۸ مهرماه ۱۳۹۵

<ul style="list-style-type: none"> - تسهیل بخشی به یادگیری - تغییر و نوآوری همکاری - پایگاه های دانش مشتری - دانش رقابتی و بازار 	تغییر و نوآوری
<ul style="list-style-type: none"> - در اختیار گرفتن دانش ضمنی - همکاری و گروه افزار - تسهیل بخشی به یادگیری - جریان کار 	منابع انسانی

اهداف مدیریت دانش

- ایجاد ارزش در سازمانها : یکی از عمومی ترین راه های ایجاد ارزش از طریق دانشکاران، پشتیبانی برای تصمیم گیری کارآمد و دانش دانشکارانی بوده که می توانند با تصمیم گیری موثر در سازمان ارزش ایجاد کنند. ایجاد ارزش در سازمان، پیش نیاز مدیریت دانش است.
- مدیریت دانش ضمنی : به تبدیل دانش غیر رسمی ، ذهنی و شخصی (ضمنی) به دانش ثبت شده رسمی (صریح) گفته می شود.

این هدف کلیدی باعث کاهش ریسک از دست رفتن دانش با ارزش سازمان با ترک همکاری کارکنان و کاهش خطر از دست دادن حافظه شرکت به هنگام تعدیل نیروی انسانی می شود(احمدی ۱۳۹۱).



نخستین کنگره بین المللی
چالش های الکترونیکی ۲۰۱۶-تهران
1st Tehran eChallenges
International Congress 2016
۱۷ و ۱۸ اکتبر ۲۰۱۶ / مهرماه ۱۳۹۵

عوامل کلیدی مدیریت دانش





شکل ۲. عوامل کلیدی مدیریت دانش

انسان

اولین عنصر کلیدی نظام مدیریت دانش بوده و از آن جایی که موجودی خردمند است و تولید کننده، بهره‌بردار، و کاربر دانش می‌باشد، مهم‌ترین نقش را در مدیریت دانش دارد.

سازمان

دومین عنصر از نظام مدیریت دانش، سازمان است. چرا که اهداف، ساختار، رویه‌ها، روش‌ها، و فرایندهایی که یک سازمان از طریق آن‌ها فعالیت‌های خود را پیش می‌برد، بر تمامی اجزا و فرایندهای مدیریت دانش موثر است.

فناوری

عنصر سوم در نظام مدیریت دانش، فناوری است که زمینه و بستر تعامل دو عنصر انسان و سازمان را فراهم می‌آورد. ۵۰ درصد از موفقیت یا شکست مدیریت دانش در یک سازمان وابسته به نقش انسان و فضای فرهنگی سازمان است. ۲۵ درصد آن به نقش ساختار و فرایندهای سازمانی و ۲۵ درصد دیگر آن به فناوری‌هایی بستگی دارد که در نظام مدیریت دانش نقش ایفا می‌کنند (احمدی ۱۳۹۱).

فرآیند مدیریت دانش

«هابر»^۶ فرآیند مدیریت دانش را این گونه تعریف می‌کند. فرآیند دانش شامل کسب، انتشار، تفسیر و ایجاد حافظه دانش سازمانی است (Lee, ۲۰۰۳).

«بهات» فرآیند مدیریت دانش را شامل فعالیت‌های کسب، ثبت، انتقال، خلق و کاربرد دانش در سازمان می‌داند (Bhatt, ۲۰۰۱).

علی‌رغم اینکه هر کدام از نویسندگان تعریف خاصی در این مورد ارائه می‌دهند تشابهات زیادی میان تعاریف وجود دارد. با مروری بر ادبیات مدیریت دانش می‌توان توافق بر سر گامهای اساسی زیر را مشاهده نمود:

۱- کسب دانش ۲- سازمان دهی دانش ۳- تسهیم دانش ۴- بکارگیری دانش

تا به حال هیچ فناوری اطلاعاتی نتوانسته است هر چهار مرحله فرآیند مدیریت دانش را پوشش دهد. معمولاً فناوریها قسمتی از فرآیند فوق را پشتیبانی می‌کنند (Lee, ۲۰۰۳).

^۶. Haber



شکل ۳. فرآیند مدیریت دانش

فناوری اطلاعات

اصطلاح فناوری اطلاعات را می توان از دو دیدگاه مورد مشاهده قرار داد. از دیدگاه اول اصطلاح فناوری اطلاعات برای توصیف فونونی بکار می رود ما را در ضبط، ذخیره سازی، پردازش، بازاریابی، انتقال و دریافت اطلاعات یاری می کند. از دیدگاه دوم، فناوری اطلاعات به مجموعه ای از ابزارها و روش ها گفته می شود که امکان تولید، پردازش و عرضه اطلاعات را برای کاربر انسانی فراهم می آورد. هم چنین فناوری را می توان به عنوان یک فعالیت هدفمند بشری دانست که برای طراحی و ساخت محصولات مختلف از آن بهره گرفته شده و نوع خاصی از دانش اطلاعاتی که فناوری برای حل مساله علمی بصورت علمی بکار می برد. اهمیت این پدیده در حدی است که آنرا، همانند محور و مرکز مجموعه ای از فعالیتهای هدایت شده دانسته اند که کنترل مدیریت بهره وری، تولید، آموزش و ارتقای یک سیستم را با یک مرکزیت به عهده دارد. در جای دیگر و با افقی بالاتر در تعریف فناوری اطلاعات آورده شده است که فناوری اطلاعات یک استراتژی، اندیشه، فکر و ابزار در حوزه انسان هاست که با نوآوری همراه می باشد. فناوری اطلاعات، واسطه ای است که امکان بیان طیف گسترده ای از اطلاعات اندیشه ها، مفاهیم و پیام را فراهم می کند. این پدیده به دلیل برخورداری از ویژگی های متفاوت، دارای تعاریف گوناگونی است. در یک رویکرد ابزاری به هر آنچه موجب جمع آوری، گردش، پردازش و تبادل اطلاعات و پیامها بدون محدودیتهایی مکانی و زمانی می شود، فناوری اطلاعات گفته می شود (اسدی و همکاران، ۱۳۸۹). امروزه فناوری اطلاعات با فرصتها، امکانات و بستری که ایجاد کرده به یک موضوع راهبردی تبدیل شده است فناوری اطلاعات در واقع سرعت یادگیری بشر را هزار برابر افزایش داده و به عنوان مهمترین عامل تربیت و توسعه نیروی انسانی در جهان ایفای نقش می کند. فناوری اطلاعات بعنوان یک فناوری غالب در هزاره جدید مطرح شده است. این فن آوری با افزایش مبادله اطلاعات و به عنوان وسیله ای در جهت افزایش بهره وری، کارایی، رقابت انگیزی و رشد در همه حیطه های فعالیت بشری مطرح می باشد (پکهام و اورسون، ۱۹۹۹).

فناوری اطلاعات به عنوان یکی از شاخص های اصلی مدیریت دانش، ظرفیت ساختاری مدیریت دانش را با پشتیبانی فعالیت های دانش محور مانند تولید، توزیع و کاربرد دانش فراهم می سازد و به عنوان یک عامل تسریع کننده سطح تحقق راهبردهای سازمان را افزایش می دهد (شائمی برزکی، ۱۳۸۴).

«دیکا و هامیتی» نیز به طور خلاصه فناوری اطلاعات را ترکیبی از تجهیزات ارتباطی و رایانه می دانند (دیکا و هامیتی، ۲۰۱۱). در واقع فناوری اطلاعات پدیده ای است که از به کارگیری وسیع سیستمهای کامپیوتری در سازمانها و جامعه و تحول عمیق



ناشی از به کارگیری آن به وجود آمده است (موحدی، ۱۳۹۰).

فناوری اطلاعات به مجموعه ابزارها، متون و روشهای تولید، پردازش، ذخیره سازی و اشاعه اطلاعات اطلاق می شود. طبق تعریف یونسکو، فناوری اطلاعات یکی از ابعاد علوم اطلاع رسانی است و موارد زیر را پوشش می دهد:

- ظرفیت کامپیوتر برای ذخیره سازی
- پردازش اطلاعات
- انتقال، ثبت، ویرایش، ذخیره سازی، تغییر و توزیع اطلاعات (آزادی احمدآبادی، ۱۳۸۸).

«مانسل» پتانسیل ها و قابلیت های زیر را برای فناوری اطلاعات در نظر می گیرد:

- تولید اطلاعات: نوآوری های جدید در فناوری اطلاعات با در دسترس قرار دادن شبکه هایی با سرعت بالا، امکان تولید و مدیریت مقادیر زیادی از اطلاعات را متناسب با نیاز کاربران و در راستای اهداف توسعه فراهم می آورند.
- فراهم ساختن فرصت های تولید: فناوری اطلاعات فرصت های تولیدی را برای تولیدکنندگان افزایش می دهد.
- پشتیبانی از اشتراک دانش فنی و علمی: به کارگیری فناوری اطلاعات نقش مهمی در انجام تحقیقات علمی و فنی ایفا می کند. امروزه به کارگیری قابلیت فناوری اطلاعات جزء قابلیت های اصلی مراکز تحقیق و توسعه است.
- تغییر هنجارهای اقتصادی و اجتماعی: به تدریج که افراد فناوری اطلاعات و ارتباطات را به کار می گیرند، هنجارهای و ارزش های تجاری و اجتماعی و فرهنگی آنها تغییر می کند. برای نمونه، سرعت ارتباطات و انجام تحلیل های الکترونیک منجر به افزایش سرعت تصمیم گیری ها می شود (Mansell, ۱۹۹۹).

فناوری، مهارت فکر کردن و عمل کردن نظام مند را به فرد منتقل می کند. تفکر نظام مند به این مفهوم است که فرد توانایی درک این نکته را داشته باشد که کارکردهای گوناگون سازمان به یکدیگر وابسته اند و تغییر در هر یک از بخش ها، ناگزیر بخش های دیگر را تحت تاثیر قرار می دهد. زیر بنای چنین مهارتی داشتن تفکر نظام مند است که از طریق فناوری ایجاد می شود و توسعه می یابد.

نقش و جایگاه فناوری اطلاعات در مدیریت دانش

فناوری اطلاعات در نقش تواناساز مدیریت دانش، می تواند به بهترین مورد استفاده قرار گیرد و بین داده، اطلاعات و دانش یک چرخه ی زاینده ایجاد کند (Bhatt, ۲۰۰۱).

فناوری اطلاعات به شیوه های مختلفی فرآیند مدیریت دانش را تحت تاثیر قرار می دهد؛ از جمله آنها می توان به موارد زیر اشاره کرد:

- فناوری اطلاعات فرآیند جمع آوری، ذخیره و تبدیل دانش با سرعت بالا را تسهیل می کند.
- فناوری های پیشرفته اطلاعاتی، جریان های گسسته ی دانش را با یکدیگر ادغام می نماید. این ادغام موانع برقراری ارتباط بین بخش های مختلف سازمان را از بین می برد.
- فناوری اطلاعات انواع روش های تولید دانش (جامعه پذیری، درونی سازی، بیرونی سازی و ترکیب) را بهبود و توسعه می دهد و محدود به انتقال دانش صریح نیست (لی و چوی، ۲۰۰۳).

فناوری اطلاعات علاوه بر نقش تواناسازی، بعنوان یکی از زیرساخت های مهم در پیاده سازی فرآیند دانش نیز شناخته شده است. اکثر محققان معتقدند که بزرگترین عامل موفقیت مدیریت دانش در عصر حاضر ظرفیت هایی است که فناوری اطلاعات برای آن ایجاد می کند.



روش تحقیق

این نوع پژوهش به روش کتابخانه‌ای از پژوهش‌های که در این زمینه به بررسی رابطه بین فناوری اطلاعات و مدیریت دانش انجام گرفته است.

بحث و نتیجه‌گیری

بطور کلی فناوری اطلاعات به عنوان یکی از مهمترین محورهای توسعه در جهان بشمار می‌رود و بسیاری از کشورهای جهان، توسعه فناوری اطلاعات را به عنوان یکی از مهمترین زیرساخت‌های توسعه خود قرار داده‌اند. چرا که استفاده و بکارگیری فناوری اطلاعات کلیه سطوح سازمانی را تحت تاثیر قرار می‌دهد. مفهوم مدیریت دانش بدون فناوری‌های مبتنی بر دانش از توانمندی‌های بسیار محدودی برخوردار خواهد بود. بیشترین ارزش فناوری مدیریت دانش، افزایش قابلیت به دانش و تسهیل و تسریع انتقال آن است. فناوری اطلاعات، امکان بیرون کشیدن دانش را از ذهن صاحب دانش فراهم می‌آورد، سپس می‌توان آن دانش را در قالب‌های منظم بر فناوری گنجانده و به دیگر اعضای سازمان منتقل کرد. بین مدیریت دانش و فناوری اطلاعات رابطه قوی وجود دارد این رابطه باعث افزایش کارآمدی در هر دو حوزه می‌شود. فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطات باعث رشد دانش می‌شوند و بر آن تاثیر مستقیم دارند به همین دلیل نقش حیاتی در مدیریت دانش ایفا می‌کنند. فناوری اطلاعات نقش کلیدی در موفقیت و یا شکست یک سیستم مدیریت دانش بر عهده دارد؛ چرا که هر یک از فرایندهای مدیریت دانش به فناوری اطلاعات وابسته است. فناوری اطلاعات در تقویت و ارتقاء جایگاه مدیریت دانش و همچنین افزایش اثربخشی سازمان را در پی داشته است.

منابع

- اسدی، علی و همکاران، ۱۳۸۹، شناسایی زمینه‌های بکارگیری فناوری اطلاعات توسط آموزشگران در آموزش‌های علمی-کاربردی، نشریه اقتصاد و توسعه کشاورزی، جلد ۲۴، شماره ۲
احمدی، علی اکبر، ۱۳۹۱، مدیریت دانش، تهران، انتشارات پیام نور



اخوان آملی، رامین. ۱۳۷۵. نقش اطلاعات در شناخت عوامل داخلی، خارجی و محیطی سیستم. ماهنامه تدبیر ۴۱، ۶۶-۴۰.
آزادی احمدآبادی، قاسم، آزادی احمدآبادی، اکرم ، ۱۳۸۸، فناوری اطلاعات در مدیریت دانش: کاربردها و تاثیرات. ماهنامه تدبیر ۲۱۱، ۶۰-۵۵

افرازه، عباس، ۱۳۸۶، مدیریت دانش و فناوری اطلاعات دانشکده مهندسی صنایع، دانشگاه صنعتی امیرکبیر
داونپورت، تامس اچ، و لارنس پروساک، ۱۳۷۹، مدیریت دانش، ترجمه حسین رحمان سرشت، تهران، نشر ساپکو
رادینگ، آلن، ۱۳۸۶، مدیریت دانش: موفقیت در اقتصاد جهانی مبتنی بر اطلاعات، ترجمه محمد حسین لطیفی، تهران، انتشارات سمت
رضایی، فرزانه، ۱۳۸۹، بکارگیری فناوری های اطلاعات و ارتباطات از عوامل موثر بر رشد بهره وری منابع انسانی، همایش منطقه مباحث
نویسن در حسابداری و مدیریت دانشگاه آزاد اسلامی واحد میندوآب، ۵ اسفندماه
شائمی برزکی، علی، ۱۳۸۴، تکنولوژی اطلاعات و مدیریت دانش، سومین کنفرانس بین المللی مدیریت دانش، ۱۲۹، تهران
غنی زاده، محمود، ۱۳۸۵، تحقق سازمانهای دانش محور در گرو استقرار دولت الکترونیک، نشریه برنامه ۲۳۷
موحدی، محمدمهدی، مجید معتمدی، و علی کتال، ۱۳۹۰، بررسی نقش فناوری اطلاعات بر عملکرد شرکت ارتباطات سیار استان تهران،
فصلنامه مدیریت ۲۱، ۶۷-۷۸
یمین فیروز، موسی، ۱۳۸۲، دانش و مدیریت دانش در سازمانها، فصلنامه کتاب ۱۴، ۱۰۸-۹۷

Akiyoshi, M.(۲۰۰۸). Knowledge sharing over the network thin solid ilmProceedings of ۲ International symposium on the manipulation of advanced smart Materials ۵۱۷ No. ۴. ۱۵۱۲-۱۵۱۴
Bhatt, G.D.(۲۰۰۱). Knowledge Management in Organization: Examining the Interaction Between Technologies Techniques & People. Journal of knowledge management .Vol. ۵. No. ۱. ۶۸-۷۵
Dika, A., and M. Hamiti.(۲۰۱۱). Challenges of implementing the ethics - through the use of information technologies in the university. Procedia social and behavioral sciences. Vol. ۱۵. ۱۱۱۰-۱۱۱۴
Hales, S.(۲۰۰۱). Dimensions Knowledge and its Management, Available at:www. Insigting.co.uk.
Mansell, R. (۱۹۹۹). Information and communication technologies for development: assessing the potential and the risks, Telecommunications Policy .Vol.۲۳. ۳۵-۵۰
Milton, N. et al.(۱۹۹۹). Towards a knowledge technology for knowledgemanagement. International Journal of Human-Computer Studies. ۶۴۱-۶۱۵
Lee, Hiscock and Byoungu Choi.(۲۰۰۳). Knowledge Management Enablers, Process and Organizational Performance: View and Empirical Examination. Journal of management information systems. Vol. ۲۰. No.۱
Lee, H.(۲۰۰۳). Design and Eevaluation of Knowledge management system.sowftword Journal Vol.۱۹، ۵۶-۹۵